

نقش زن در ادبیات جنگ تحمیلی

محمد‌هادی خالق‌زاده^۱

الهام ولایتی^۲

چکیده

با انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، ادبیات انقلاب و ادبیات مقاومت زاده شد، حضور زن در این ادبیات بسیار پررنگ است چه تصویری که در آثار ادبی که مردان خلق کرده‌اند چه آثاری که زنان صاحب قلم خود آفرینشگر آن بوده‌اند. در این پژوهش تصویر دقیق و نسبتاً جامعی از زن در دوره دفاع مقدس ارائه می‌شود، تصویری که در آینه ادبیات دفاع مقدس اعم از رمان، داستان کوتاه، خاطره نویسی و شعر نمایان می‌شود و تمامی نقش‌های زن در قالب مادر، همسر، امدادگر، معلم و غیره با زبان ادبیات جنگ بیان می‌شود و به بیان مشکلات قشرهای مختلف بانوان می‌پردازد، زنانی که شاید کمتر دیده شده‌اند، زنان مهاجر، زنان روشنفکر و غیره. این پژوهش بر پایه این فرضیه استوار است که نقش زن در ادبیات جنگ، زنی متفاوت از ادبیات پیش از جنگ تحمیلی است. زنی که تمامی نقش‌های زن را در قالب مادر، همسر، امدادگر، معلم و حتی پدر را در یک جا برعهده دارد. با توجه به پژوهش انجام شده دریافته‌ایم که حجم آثاری که زنان نوشته‌اند نسبت به دوره‌های قبل افزایش یافته از نظر کیفی نیز زنان همراه مردان حرکت کرده‌اند و نگاه و گستره‌ای نو در ادبیات پدید آورده‌اند. شیوه پژوهش در این جستار کتابخانه‌ای و توصیفی - تحلیلی است.

واژه‌های کلیدی: ادبیات جنگ، زن، انقلاب، دفاع مقدس.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



۱. استادیار بخش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۲۵

مقدمه

در ادبیات دفاع مقدس که شرح احوال برون و درون انسان‌هایی است که برای حفظ شرف و حیثیت و فضایل انسانی در مقابل تجاوزگران به کرامت‌های انسانی به پا خاسته‌اند، زن نقش برجسته‌ای دارد. آنچه در ادبیات دفاع مقدس چهره زن را از نظایر آن در ادبیات پایداری جهان متمایز می‌کند پیروی او از حضرت زینب (س) در وقایع کربلاست. در این راستا ایمان، ظلم ستیزی، ایثارگری و صبوری زن به نحو بسیار شایسته‌ای در ادبیات دفاع مقدس به نمایش گذاشته شده است. داستان‌های زنانه از خصوصیات مشترکی برخوردارند، ویژگی‌هایی که شاید در آثار مردان کمتر می‌توان آن را یافت. هستی در منظر زنان، از وجه دیگری نگریسته می‌شود. نوع نگاه به عوالم مادی و غیر مادی، به خدا با نگاه مخصوص به خود، زندگی و به دنبال آن، جنگ را می‌نگرند. دریچه نگاه آنان، پیش از هر چیز، با احساساتی غلیان‌کننده و معصومانه رنگ شده است. احساساتی که گاه شکل حماسه به خود می‌گیرد و گاه جنبه بازدارنده. زن در هستی منفعل است. انفعال او از جانب وابستگی و دلبستگی به دیگری است و طبیعت، به زمان و مکان، به هدف زیستن، همه، معانی مختلفی در دیدگاه زنانه دارد.

مسأله پژوهش

ادبیات آینه تمام نمای جامعه است که واقعی‌ترین حوادث و اتفاق‌ها را می‌شود در این آینه دید، اگر به تاریخ ادبیات مراجعه کنیم در می‌یابیم که حوادث تاریخی و اجتماعی مضمون‌های بسیاری در ادبیات بوجود آورده‌اند هر پیروزی، شکست یا حادثه‌ای نوعی از انواع ادبی را پدید آورده، شاعر در خلأ زندگی نمی‌کند و عمده تأثیر و الهام آفرینش‌های ادبی خود را از جامعه و محیط زندگی خود می‌گیرد با انقلاب اسلامی و جنگ نیز ادبیات انقلاب و ادبیات مقاومت زاده شد، حضور زن در این ادبیات بسیار پررنگ است چه تصویری که در آثار ادبی که مردان خلق کرده‌اند چه آثاری که زنان صاحب قلم خود آفرینشگر آن بوده‌اند. بررسی آثار ادبی جنگ بهترین دایره‌المعارفی است که می‌شود قشرهای مختلف زنان را در لا به لای آن پیدا کرد و زندگی، مسائل و مشکلات آن‌ها را در همین آثار شناخت، جنگ شیوه زندگی متفاوتی به زن می‌دهد و این زندگی متفاوت دست‌مایه آثار بسیاری از اهل قلم می‌شود. علاوه بر این که این زنان خود دست به قلم می‌برند و تصویرگر این زندگی می‌شوند، در آغاز این سؤال مطرح می‌شود که زن در ادبیات جنگ آیا همان زنی است که در ادبیات دوره‌های قبل مطرح می‌شود؟ زنی که مادر و همسر است یا کلیشه عاشقانه آثار ادبی یا زنی دیگر از جنس جامعه؟ این پژوهش برآن است پاسخی مناسب به این پرسش بدهد.

ادبیات دفاع مقدس نه ثبت تاریخ است و نه ثبت وقایع جنگ، بلکه شرح احوال درونی و بیرونی زنان و مردانی است که برای حفظ شرف و حیثیت و فضایل انسانی در مقابل تجاوزگران به کرامت‌های انسانی به پا خاسته‌اند. مقاله حاضر

کوششی است در بررسی و نمایاندن بازتابی که از زن و دلاوری و پاسداری او از کرامت‌های انسانی در ادبیات داستانی دفاع مقدس جلوه نموده است.

ادبیات پایداری

ادبیات پایداری، محدوده‌ای از آثار منظوم و منثور را در بر می‌گیرد که بیانگر عاطفی و زیباشناختی مقاومت‌ها و ایثارگری‌های انسانی و قومی فرد یا گروهی است که برای دفاع از حریم مادی و معنوی خود در برابر تجاوز فرد یا گروه دیگر به پا خاسته‌اند.

ادبیات دفاع مقدس بیان هنری عشق و ایثارگری‌هایی که ما به چشم خود آن‌ها را دیده‌ایم. جان دادن عاشق در راه وصال معشوق را که بارها در ادبیات غنایی خوانده بودیم اینجا به چشم خود دیدیم و حتی جسم آغشته به خونس را بردوش خود تا مزارش حمل کردیم.

بخش قابل توجهی از این ادبیات بیانگر ایمان، رشادت، ایثارگری و صبوری زنانه است که گام به گام با مردان در دفاع مقدس پیش رفتند. به طور کلی همچنان که در تمام عرصه‌های زندگی، زن در کنار مرد و مکمل اوست در جنگ نیز نقش بسزا دارد و گاه حتی دوشادوش مردان می‌رزد و به همین نسبت در ادبیات پایداری جهان وجود او نیز بازتاب یافته است. و ابتزاروف شاعر مقاومت بلغارستان در شعری که شب قبل از اعدام برای دلداري همسرش سروده است او را ادامه دهنده راه خود می‌داند و از همسرش می‌خواهد خانه را از تفکر او خالی نکند تا او هم در خواب به دیدارش بیاید (کاکایی، ۱۳۸۰: ۱۹).

شادور پتوفی شاعر مقاومت مجار شمشیرش را که از شادی و لذت جاری او در کنار همسرش خشنود نیست مورد خطاب قرار دهد و درباره نقشی که همسرش در هنگام نیاز وطن به شاندرایفا می‌کند می‌گوید: شادی ما عظیم است و لذت ما بی پایان خوشبختی ما درخشان اما شمشیر من هیچ راضی نیست ای شمشیرم ن! اگر وطنم بازوی مرا لازم دارد زخم با دست خود، تو را به کمرم می‌بندد و به هنگام وداع می‌گوید: بروید با هم و به هم وفادار بمانید (همانجا). در تاریخ ادب فارسی گاه به زنانه بر می‌خوریم که در برابر ظلم شاهان زبان به اعتراض گشوده‌اند؛ مانند حکایت پیرزن و سنجر در مخزن الاسرار نظامی:

پیرزنی را ستمی درگرفت/ دست زد و دامن سنجر گرفت

کای ملک آرزم تو کم دیده‌ام/ وز تو همه ساله ستم دیده‌ام

از ملکان قوت و یاری رسد/ از تو به ما بین که چه خواری رسد. (نظامی، ۱۳۶۳: ۹۱)

اما گروه زیادی از شاعران و نویسندگان نگرشی منفی نسبت به زن داشته‌اند یا حداکثر منزلتی که برای زن قائل بوده‌اند او را به عنوان معشوق شعر خود برگزیده‌اند. ولی با رویداد دفاع مقدس و پدید آمدن ادبیات خاص آن، نقش زنان با دفاع گره می‌خورد و زنان نقشی جز آنچه قبلاً داشتند بر عهده می‌گیرند، نقشی که گاه آن‌ها را برتر از برخی مردان نشان می‌دهد:

بیا ای دوست اینجا در وطن باشی شریک رنج و شادی‌های من باشی



زنان اینجا چو شیر شریزه کوشند اگر مردی در اینجا باش وزن باشی (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۲: ۱۴۲)

اسوه زن در دوران دفاع مقدس حضرت زینب (س) است که شعله‌های خشمش کاخ آرزوهای ستمگران را درهم می‌کوبد و سخنان کوبنده‌اش پرده‌های تزویر را می‌برد و آن‌ها را روسپاه تاریخ می‌گرداند. صبوری حضرت زینب (س)، شاخص‌ترین ویژگی زن در ادبیات دفاع مقدس است: نوجوان جان سپرد و مادر او جامه صبر خویش چاک نکرد، پدرش اشک غم زدیده نریخت، بر سر از درد و رنج خاک نکرد، همسرش چهره را به پنجه نخست، ناشکیبا نشد، زدوری دوست، زان که دانسته بود کائن همه رنج پی آزادی فرشته اوست (بهبهانی، ۱۳۶۲: ۱۱۱).

ادبیات و جنگ تحمیلی

ادبیات انقلاب از ادبیات جنگ جدا نیست، و منصفانه است که بگوییم زن همواره نقشی فعال در اعتلای آن داشته است. با توجه به پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ و درگیری‌های نیروهای ضد انقلاب با نیروهای انقلابی و شروع جنگ تحمیلی در شهریور ماه ۱۳۵۹، طبیعتاً ادبیات انقلاب منهای جنگ نمی‌تواند مطرح شود، زیرا ادبیات انقلاب پیش از جنگ، از نگاشتن یکی دو داستان درباره‌ی انقلاب و سرودن اشعاری چند در تهییج مردم فراتر نرفت؛ زیرا هنرمندان و نویسندگان مسلمان هم گام با دیگر اقشار مردم، بیش‌تر در اندیشه‌ی حفظ انقلاب از هجوم بیگانه و بیگانه پرستان بودند. هنرمند انقلاب با توجه به جرقه‌هایی که از قبل شاهد بود، پامردی‌های سلحشورانه‌ی هم‌وطنانش را بیش از پیش حس می‌کرد و آن‌چه بر دلش می‌جوشید، یعنی نقش دل‌خونین را بر سپیده‌ی کاغذ حک می‌کرد.

به این ترتیب می‌توان گفت: شکوفایی ادبیات انقلاب، بعد از جنگ و قوام آن در بطن جنگ و گل‌ریزان آن با کمک هنرمندان و نویسندگان متعهد بوده است. هنرمند که آینه‌ی تمام‌نمای اُفت و خیزهای حیات سرزمین خود است، در انقلاب، به ویژه در هنگامه‌ی جنگ عراق بر ضد ایران ناگهان متوجه زنی می‌شود که شاید تا دیروز با آن بیگانه بوده است، موجودی با حماسه‌آفرینی‌های خاص خود که همواره پشت جبهه را با تأمین نیازهای جنگ و خط مقدم را با ایثار عواطف هنگام راهی کردن همسر و بدرقه‌ی فرزند، نیرو بخشیده است. این‌ها همه هنرمند را به ثبت شجاعت‌ها و از خود گذشتگی‌های زنان این مرز و بوم وادار کرده است. از این رو چهره‌ی زن ایرانی در شعر، نقاشی و رمان این دوران کاملاً با زن پیش از انقلاب متفاوت است.

باید دانست که ادبیات جنگ، نوع ادبی خاصی نیست، اما به طور قطع به دلیل موضوعش قابل تشخیص از انواع دیگر ادبی به شمار می‌رود. ادبیات جنگ به طور مشخص آثاری را دربر می‌گیرد که موضوع آن‌ها جنگ هشت ساله‌ی ایران و عراق است. این موضوعات لزوماً حوادث واقع شده در جبهه‌های نبرد نبوده و نیستند. موضوعاتی مانند، بمب باران، اسارت، وضعیت اجتماعی پشت جبهه، وضعیت روحی و روانی مردم درگیر جنگ نیز موضوعات مرتبط با جنگ هستند. زنان که در ادبیات قبل از انقلاب - جز در موارد نادری - تنها عامل جذاب شعر و داستان و رمان بودند اینک در مقام شخصیتی والا و گوهری تابناک - منهای جاذبه‌های زنانه - تنها در بعد انسانی خود، مکانی ویژه یافته‌اند. در این میان نه

تنها نویسنده‌گان مرد به خلق آثاری درباره‌ی قهرمانان زن می‌پردازند، بلکه زنان نویسنده نیز شخصیت‌های قوی و برجسته‌ای از زنان حماسه آفرین ارائه می‌کنند. اکنون از زن نه به عنوان وسیله‌ای برای بالا بردن تیراژها، بلکه برای ترسیم تلطیف یافته‌ترین عواطف یاد می‌شود. او دیگر زنی نیست که از بیم شکسته شدن ناخن‌های بلند و لاک زده‌اش رخت نشوید، چه بسا به جبهه می‌رود و لباس‌های ضخیم و خون‌آلود رزمندگان را نیز چنگ می‌زند.

نقش زنان تنها در اعزام همسران و فرزندان‌شان نبود تشویق و تشجیع فرزندان و همسران و حفظ کیان خانواده در غیاب آن‌ها و حفظ این امانت بزرگ یعنی استحکام بنیاد خانواده امر بسیار مهمی بود اما در این‌ها خلاصه نمی‌شد. زنان عشایر قهرمان و سلحشور ما در مناطق مرزی در ایلام، کردستان، و خوزستان جنگ‌های تن به تن و مبارزات رزمی با دشمن داشتند زن‌هایی که در زندان‌ها و اسارت گاه‌های رژیم عراق حماسه آفریدند. زنان متخصص ما حتی در بیمارستان‌های صحرائی، در مناطق جبهه و در خطوط نزدیک به خط مقدم جبهه جراحی‌های مهم وارزشمندی را انجام دادند. پرستاران ما، در ستادهای پشتیبانی و کمک به جبهه فعال بودند و زنان مسلمان ما خاطرات حضرت زهرا (س) را در دامنه کوه «سُلع» و در جنگ «خندق» زنده کردند. شجاعت و شهامت و ایثارگری زنان ما، مادران و همسران شهدا در مراسم تشییع جنازه و مراسم تدفین فرزندان‌شان یادآور حماسه آفرینی‌های زینب (س) در کربلا و عاشورای امام حسین (ع) بود. این نقش زنان در دفاع مقدس حرکتی پوشیده نیست. گرچه بعضی از نقش‌ها کم رنگ‌تر مطرح می‌شود و آن‌چه در این‌جا به اثبات رسیده نقش پر رنگ زنان در آثار ادبی دفاع مقدس چه به عنوان عنصری در نوشته‌های مردان و یا پدید آورنده‌ی آثار این دوره است که غیر قابل انکار است. از آن‌جا که ادبیات جنگ، شعر را نیز در بر می‌گیرد جا دارد به بررسی کوتاهی در مورد آن‌چه از آن به شعر جنگ تعبیر می‌شود بنماییم.

بدون تردید در دایره واژگانی شعر جنگ به اصطلاحات مخصوص نظامی بر می‌خوریم. مانند: جنگ افزارهای سبک و سنگین، خمپاره، تفنگ، توپ، ماشه، قنداق و... و اصطلاحاتی از قبیل لشکر، گردان، فرمانده، چریک و... لحظاتی چون قبل از عملیات، کمین کردن، شناسایی و... که در ذیل به ذکر چند نمونه اکتفا می‌کنیم:

نقل از عباسیه کهن:

سوت خمپاره، سکوتی که شکست
روی سجاده گلی پرپر بود

(بنیاد حفظ آثار دفاع مقدس، ۱۳۷۵: ۱۰۰)

نقل از باقری:

ننگ است که نقل سرب پاشد
بر حجله‌ی نوعروس بانه

(کاشانی/شاهرخی، ۱۳۶۷: ۴۹)

نقل از شمس:



از پشت خاکریز بلند ستاره‌ها در خون و خاک پیکر مهتاب دیده‌ایم

(همان: ۱۶۶)

نقل از صالحی:

حکمی که ز فرماندهی عشق است مقرر سودای سر دار نشانند به چه سرها

(همان: ۱۷۹)

نقل از احمدی:

هرکه خفته است در این جاده، کمین خواهد خورد مرد میدان کس اگر نیست زمین خواهد خورد

(کاظمی، ۱۳۷۱: ۱۸)

سیر تکاملی نقش زنان ادبیات دفاع مقدس

حکایت سیر تکاملی انسان است. در کنار مردان دفاع مقدس که خود نماد انسان‌های وارسته و به خدا پیوسته‌اند، زنانی هستند که با هر قدمی که مردان در نزدیک شدن به خدا بر می‌دارند آن‌ها نیز پیش می‌روند. حکایت مادر ناصر در رمان «نخل‌های بی‌سر» از این گونه است. در داستان «نخل‌های بی‌سر» که بیانگر وقایعی از جنگ و آزادسازی خرمشهر است مادر ناصر پیوسته نگران فرزندش ناصر است که در صحنه‌های نبرد با دشمن برای آزاد کردن خرمشهر تلاش می‌کند. مادر حتی در ابتدا از رفتن ناصر به جبهه چندان خرسند نیست. او در روزهای آغاز جنگ وقتی که دو فرزندش ناصر و حسین می‌خواهند برای مقابله با عراقی‌ها به دوستان هم‌رزم‌ها پیوندند می‌گوید: «آخه پس این همه سرباز و آژانو می‌خوان چه کار؟ خب اونا میرن دیگه!» مادر ناصر در شهادت اولین فرزندش که دختر خانواده است چنان بیتابی می‌کند که همه را به گریه و می‌دارد. اما پس از چندی در آن هنگام که فرزند دومش حسین شهید می‌شود در پاسخ ناصر که از مادر می‌خواهد بی‌قراری نکند می‌گوید: «دیشب که گفتم: ننه فدای یه لحظه عمر امام. حسینمو در راه امام حسین (ع) دادم. دیگه هیچ نگران من نباش». (فراست، ۱۳۶۷: ۱۵۱)

اوج این سیر تکاملی در آنجا آشکار می‌شود که فرزند سوم یعنی ناصر که این همه مادران نگران او بود، شهید می‌شود. مادر منتظر تلفن ناصر است. دو سه روز از قراری که ناصر برای تلفن کردن گذاشته، گذاشته است. ناگهان تلفن زنگ می‌زند و مادر گوشی را بر می‌دارد. خرمشهر را به مادر ناصر می‌دهد تا زمینه فراهم شود برای خبری که فکر می‌کند برای مادر ناصر تحمل ناپذیر است. اما، مادر ناصر با شنیدن خبر آزادی خرمشهر پاسخ می‌دهد: «دیگه حالا ... آگه ناصر هم ... شهید بشه ... غمی ندارم». جوابی که صالح در برابر آن، غافلگیر می‌شود و با شگفتی سؤال می‌کند: «چی؟» مادر این بار استوار و با صلابت می‌گوید: می‌گم حالا دیگه اگر ناصر هم شهید بشه غمی ندارم. «صالح با شنیدن این سخن، نمی‌داند چه

بگوید. تنها حرفی که در پاسخ مادر ناصر بر زبان صالح جاری می‌شود این است که: «پس ... پس ناصر هم شهید شد.» (فراست، ۲۱۵:۱۳۶۷). و این نیست مگر، سیر و سلوک عارفانه‌ای که زنان در طول دفاع مقدس در کنار همسران و فرزندان‌شان برای رسیدن به حق می‌پیمودند و پس از شهادت فرزند و همسر، آن‌ها نیز وظیفه زینب گونه خود را ادا می‌کردند.

نمونه دیگر این سیر تکاملی را در «کوکب خانم» مادر سه شهید در داستان «هفده به علاوه سه» می‌بینیم: در داستان «هفده به علاوه سه» کشمکش درونی پیرزنی که سه فرزندش در انقلاب شهید شده‌اند، بسیار زیبا شکل گرفته و موجب شده شخصیتی واقعی جلوه کند. از یک سو پی به مقام والای شهادت برده از سوی دیگر خارخار این اندیشه زبان او را به فریاد وا می‌دارد که «آخه‌ای خدا چرا سهم من این قدر زیاد بود؟ و بخش بسیار مهم دیگری که جای آن در ادبیات داستانی دفاع مقدس تا حدودی خالی است نپرداختن به آسیب پذیری زنان در جنگ است. شاید هیچ کدام از آسیب‌های جنگ به اندازه آسیبی که دامنگیر زنان می‌شود و از آن به دیگر گروه‌ها و شاخه‌های جامعه سرایت می‌کند، نباشد.» زنان به عنوان گروهی که حافظ میراث فرهنگی و ناقل هنجارها و ارزش‌های انسانی به شمار می‌آیند و تعادل و ثبات جامعه و نظام فرهنگ‌پذیری و آموزشی آن با نام آنان رقم می‌خورد، بیش‌ترین آسیب را از وقوع بحران‌های اجتماعی چون جنگ پذیرا می‌شوند. «الحمدالله رشادت‌های دلوران دفاع مقدس اجازه نداد فجایعی که در اثر جنگ در افغانستان و بوسنی و ویتنام بر سر زن آمد، در حمله جنگ افروزان صدامی به ایران رخ دهد». متأسفانه در روزهای آغاز جنگ در روستاها و شهرهای مرزی که هیچ آمادگی نداشتند حمله ناجوانمردانه سربازان عراقی آسیب‌هایی بر زنان بی‌دفاع آن سامان از قبیل کشتار دست جمعی دختران و زنان و یا زنده به گور جمعی آنان، وارد کرد.

اقسام و نمونه‌های حضور ایثارگرانه‌ی زنان در داستان‌های دفاع مقدس

نقش‌های مادران:

- تربیت فرزندان مجاهد و شهادت طلب
 - تحمل داغ چند فرزند و استقامت زینب وار
 - تقویت انگیزه خانواده و مقابله با جنگ روانی و تبلیغاتی دشمن
- این طیف از زنان در برخی آثار مربوط به ادبیات جنگ، حضوری حماسی - عاطفی دارند. برخی دیگر از نویسندگان، چهره‌ای حقیقی، زنده و واقعی از این قشر ترسیم نکرده‌اند. از مادران شهدا در ادبیات جنگ تقریباً همان کنش‌هایی سر می‌زند که معمولاً در جهان واقعیت امکان بروز دارد، یعنی کنش‌های روحی و روانی. در آثار ادبی مربوط به دفاع مقدس مادران شهدا نقش‌هایی پررنگ و حماسی و پر تلاش دارند که ما در ذیل این نقش‌ها را به سه گروه تقسیم کرده‌ایم و برای هر نمونه تکه‌ای از یکی از داستان‌های مربوط به جنگ، مرتبط با موضوع را آورده‌ایم، از جمله این کتاب‌ها، اثر «آیه‌های ایثار و تلاش» می‌باشد که در آن آمده است: «به یاد می‌آورم مادر هفت فرزند که در شهر مرزی، شوهرش و فرزندان‌ش در جبهه بودند خودش هم در ستاد پشتیبانی جنگ، پتو می‌شست. وقتی که شوهر و فرزندان‌ش می‌آمدند، گرد و غبار از پوتین



آن‌ها کنار می‌زد و می‌گفت: من می‌خواهم بگویم یا حسین بن علی (ع) به ما اجازه ندادی که در جنگ حضور پیدا کنیم، ولی من می‌خواهم پوتین سربازان تو را تمیز کنم. می‌خواهم از این گرد و غبار پوتین، بر چشم‌هایم سرمه بکشم که شفای چشمم در دنیا و شفاعتم در آخرت باشد.» (محبی، ۱۳۸۲: ۱۵۴).

مادر نحوه برخورد با مصائب

در آثار برخی از نویسندگان، مادران شهدا بعد از شنیدن خبر شهادت فرزند یا فرزندان خود، دچار پریشانی و عدم آرامش روحی و روانی می‌شوند. شاهد مثال کتاب «داستان سوره» است که در آن آمده است: «کوکب خانم چارقش را از سر باز کرد، سنگ سیاه قبر رضا را پاک کرد، طوری که می‌خواهد گرد و خاک را از روی پته کت رعنا پاک کند. باخودش صحبت می‌کرد: ز مادر جون یادت رفته، همیشه توی لباس پوشیدن ایراد می‌گرفتی؟ آگه یه خورده لباس کثیف می‌شد چه الم شنگه‌ای راه می‌انداختی؟ حالا هم باید تمیز باشی مادر... آدم که شهید می‌شه اول باید پاک باشه تو هم پاک بودی مادر...».

«کوکب خانم ساکت شد قدری سرش را تکان داد... آره مادر... سهم منم سه تا بود، سرش را به طرف قبر بچه‌ها پایین آورد. آتش وجودش را می‌سوزاند سرچایش قرار نداشت، چپ و راست می‌رفت، ناخن‌هایش را روی خاک می‌کشید دندان‌هایش را به هم می‌سایید...» (کاظمی، ۱۳۷۱: ۴۱۶)

مادر، صبر، شکیبایی

یکی دیگر از کنش‌های مادران شهدا، صبر و شکیبایی و مقاومت است. شاهد مثال داستان «سرود اروند رود» است که در آن آمده است: «فکر می‌کردم اگر بچه‌ام شهید شود، احمد خبرش را می‌آورد، آخر آن‌ها همیشه باهم‌اند. حالا می‌بینم یک نفر دیگر آمده... نکنه که...؟ آره درست است، توی خواب دیدم خانمی سوار بر اسبی بال دار از بالای شهر رد شد، وقتی رد می‌شد بوی گل یاس و گل محمدی می‌آمد، آن خانم صورت و اندامش از نور پوشیده بود، از آن بالا چند روسری حریر سبز انداخت پایین... ولی به من نرسید... من همین طور با چشمم آن خانم را دنبال کردم، اسب دوباره برگشت و آن خانم که قربانش بروم... یک روسری سبز برای من انداخت... صبح که بلند شدم فهمیدم که بچه‌ام شهید شده.» (کاظمی، ۱۳۷۱: ۴۱۷).

ایثار همسران

تحمل بار مسوولیت خانواده در غیاب همسر

تحمل دوری همسر در وطن (وابستگی عاطفی زنان به همسران)

تحمل نگاه و گاه زخم زبان‌های آشنا و غریبه (همسران جانبازان)

آن‌چه انکار ناپذیر است نقش زنان به عنوان همسر است که نمودی بارز در داستان‌های جنگ دارد.

زنان شهدا نیز از جمله چهره‌های ماندگار ادبیات دفاع مقدس‌اند که با صبر، پاک دامن، وفاداری و عشق به باور و عمل همسرانشان صحه گذاشتند. در داستان «هفت بند» اثر «راضیه تجار» نویسنده به همسر شهیدی می‌پردازد که یاد و خاطره‌ی عشق چندین ساله‌ی همسرش را بر شانه‌های زخمی روح خویش حمل می‌کند. با این وجود بعضی از نویسندگان به مسائل و مشکلات همسران شهید نیز توجه کرده‌اند، چنان‌که در رمان «سرود ارون رود»، «ربابه» همسر شهیدی که جنگ مهلت زیستن با همسرش را به او نداده است، در نبود و غیبت همسرش، در جهتی گام بر می‌دارد که شایسته‌ی یک پیام آور خون شهید نیست، با این وجود ربابه به دلیل سن کم، عدم پختگی فکری و مشکلات خانوادگی است که به چنین راهی کشیده می‌شود. عمل کرد او بیش‌تر از سر جهل و عدم شناخت است تا حکمرانی هوس‌های شیطانی. در هر حال خواننده، همواره با او همدلی کرده و او را معصوم می‌داند.

نقل از ملك فام

«نقش خواهران مسلمان در تشویق و ترغیب نیروهای جوان جهت حضور در جبهه‌های نبرد انکار ناپذیر است. مسلماً در ورای هر صحنه از فداکاری و ایثار و دلآوری که در جبهه‌ها آفریده شد، سیمای یک مادر یا همسر یا خواهر شهید حضور نورانی دارد. مادری که جوان رشیدش را که حاصل عمرش محسوب می‌شد با روی باز راهی جبهه نمود و به هنگام شهادتش خون در دل، آفتاب در پیشانی، مقاوم ایستاد. همسری که آرزوهای جوانش را در کوله پشتی شوهر جوانش بست و او را راهی جبهه نمود و نهایتاً آن خواهری که تمام محبتش را دعای خیر نمود و برادرش را مهبیای دفاع از اسلام نمود، همه و همه نقش مؤثر زنان را در بعد عاطفی و روانی جنگ مشخص می‌نماید. با توجه به اهمیت بعد روانی سربازان در جنگ، این روحيات نقش مهمی در تداوم دلآوری‌های رزمندگان اسلام در جبهه‌های جنگ داشت». (مجموعه‌ی مقالات و سخنرانی‌های اولین سمینار زن و دفاع مقدس، ۱۳۷۴: ۲۸۸).

زنان و پشتیبانی از جنگ از دیدگاه امام خمینی (ره)

«مردم هم که در صحنه حاضر و ناظرند، دیگر هیچ ترسی نیست. امروز هم کاری و هم یاری مردم بی‌سابقه است، ما هر روز شاهد زنانی هستیم که ماحصل عمرشان، یک تکه طلا را می‌آورند و در راه خدا و جنگ انفاق می‌کنند». (تبیان دفتر ۲۵، ۱۳۸۳: ۲۷۸-۲۷۷).

شاهد مثال: «شیرزنی از گیلان غرب به یاد می‌آورم که با تبر، برگردن مهاجمی عراقی زد و در جا او را از پای درآورد و عراقی دیگری را هم اسیر کرد. هم چنین زن قهرمان سوسنگردی هم، سه تن از نیروهای دشمن را به اسارت گرفت». (محبی، ۱۳۸۲: ۱۵۲).

فعالیت‌های امدادگری

این قشر از زنان از آن‌جایی که تجربه‌های مستقیم و ناب‌ی از جنگ و مسائل مربوط به آن داشته‌اند، در ادبیات دفاع مقدس، جای گاهی به خود اختصاص داده‌اند. اما متأسفانه چهره‌ی اصیلی از این قشر در ادبیات جنگ ارائه نشده است.



نویسندگان داستان‌های سرگرم کننده، برای این که زانشان را از سرخوردگی نجات بدهند، در بعضی موارد آن‌ها را به پرستاری از مجروحین جنگ می‌گمارند، چنان که در رمان «خاک سرخ» اثر شهره وکیلی نویسنده «گلیزه» را به جزام خانه‌ای در حوالی تبریز می‌فرستد و بعد از آن برای این که ایثار و کمال یافتگی شخصیتش را کامل کند او را در هنگامه‌ی بمب باران‌های تبریز، روانه‌ی بیمارستانی در تبریز می‌کند تا از مجروحین پرستاری کند. با این وجود در «نخل‌های بی‌سر» نویسنده به شخصیت شهید شهنار حاجی شاه می‌پردازد که در آغاز جنگ و سقوط خرمشهر به پرستاری از مجروحین می‌پردازد و جان خویش را بر سر این کار می‌گذارد. اما متأسفانه این شخصیت پرداخت مناسب داستانی نشده است و چون نویسنده بیش از اندازه به واقعیت پایبند است، بیش‌تر این زن را معرفی می‌کند و از فعالیت او گزارشی خواندنی ارائه می‌دهد.

آزادگی در اسارت

در این جا باید به نقش زنانی اشاره کرد که حتی در اسارت به دنبال دفاع از ارزش‌های مقدس اسلامی و ملی‌شان بودند و ضربات کوبنده‌ی خود را با برپایی احکام اسلامی و خویشتن داری و حفظ عفاف به دهان دشمن بعثی کوبیدند.

خاطرات آزاده خدیجه میرشکار

«وقتی خبر آمدن نیروهای صلیب سرخ را دادند، خوشحال شدم. هفت نفر بودند؛ دو زن و پنج مرد. فرمی دادند که بر اساس آن کارت صلیب گرفتم و از همان لحظه «۰۳۳۹» هویت جدید من شد... پس از معاینه بیماران و مجروحین، بین هر نفر، دو برگ کاغذ برای نوشتن نامه تقسیم کردند... مانده بودم از کجا و برای که بنویسم؟! اسرایی که به تازگی از خوزستان آمده بودند، می‌گفتند هیچ کس در آن جا نمانده و از خبرهایی که توسط برادران اسیر دریافت کرده بودم «بستان» هنوز در اشغال بعثیان کافر بود... تصمیم گرفتم نامه‌ی اول را به پدر و مادرم به آدرس دختر خاله‌ای که در یکی از شهرهای اطراف اصفهان داشتم، بنویسم... یادداشتی نیز برای رادیو و تلویزیون ایران فرستادم تا شاید از این طریق پدر و مادرم را در جریان قرار دهند و نامه سوم را با آن که گفته بودند در اهواز کسی زندگی نمی‌کند، به محل کار برادرم نوشتم. سختی نوشتن در همان ابتدای صفحه بود. با بسم الله شروع کردم و وقتی به پدر و مادرم سلام دادم، تمام غم‌های عالم در وجودم رخنه کرد و هم چون طفلی که پس از رنج بسیار سر بر دامان مادر می‌گذارد، اشک ریختم. تا آن لحظه گرد غمی را که از غربت و اسارت بر دلم نشسته بود، این طور عمیق احساس نکرده بودم!» (بنیاد حفظ و آثار دفاع مقدس، ۱۳۷۶: ۱۷).

زنان مرز نشین

زنان مرز نشین نیز از آن‌جایی که مستقیماً در معرض آسیب‌های جنگ و هجوم وحشیانه دشمن قرار داشته‌اند، شخصیت‌های مناسبی برای ثبت وقایع جنگ و ترسیم فضای روزهای آغازین جنگ هستند. چنان که گفته شد، این قشر از زنان با مقاومت ارزشی و دفاعی خود در مقابل مهاجمان بعثی و تحمل رنج و مصیبت ناشی از هجوم غارتگرانه دشمن،

در حقیقت ترسیم گر شخصیت زن ایرانی بودند. شاهد مثال داستان «زمین سوخته» است که در آن آمده است: «ننه باران، کار با اسلحه را خوب یاد گرفته است. با هزار کلنجار عاقبت شورای محله را راضی کرد روزها، وقتی که بی کار است، گاهی با اسلحه، تو میدان کشیک بدهد.

- ننه باران شورای محل چیکارا می کنه؟

ننه باران با حوصله همه را شرح می دهد. از تشکیل گروه امداد برای کمک به آسیب دیدگان حرف می زند از کلاس های اسلحه شناسی، کمیته های رفاهی و بهداشتی کشیک در مساجد محل ها، جمع آوری دوا و پوشاک و غذا برای نیازمندان، آموزش مردم برای انجام کارهای ضروری در مواقع اضطراری و بعد، دستش را تکان می دهد و همراه با غروری که به چشمانش رنگ زده است اضافه می کند (محمود، ۱۳۷۸: ۱۹۷).

زنان مهاجر

مهاجرین جنگ تحمیلی بیشترین آسیب را از جنگ دیده اند، این قشر به واسطه بروز جنگ با مسائل و مشکلات معیشتی، فرهنگی و اخلاقی زیادی مواجه شدند. این مسائل همواره دست مایه خوبی برای نویسندگان جنگ بوده است. البته زنان مهاجر نیز در این میانه نقشی داشته اند که بالطبع در آثار ادبی دفاع مقدس انعکاس یافته است. همان طور که قبلاً گفته شد، یکی از مسائل مهمی که زنان مهاجر با آن دست به گریبان بودند، مسائل و مشکلات اخلاقی است که نویسندگان به چند نمونه آن پرداخته اند، از جمله «قاضی ربیعوی» در مجموعه داستان های کوتاه «از این مکان». در داستان کوتاه «زخم»، فرخنده که نان آور خانواده مهاجرش است، از جانب پدر و بعضی ساکنین خوابگاه به فساد اخلاقی متهم می شود. رمان «سرود اروندرود» اثر خانم «منیژه آرمین»، نیز، بیانگر مسائل اخلاقی مهاجرین در شهرهای بزرگی هم چون تهران است. در رمان «نقش پنهان» اثر «محمد محمدعلی» نویسنده زن مهاجری را تصویر می کند که با روش های غیر اخلاقی سعی در از بین بردن تنگناهای مالی خود دارد.

این زن در یکی از بمباران های تهران کشته می شود و به وجهی تقدیس می گردد ولی با این وجود، شخصیت نابهنجار او هم چنان در یادها باقی می ماند. یکی از مسائل مهمی که مهاجرین با آن دست به گریبان بودند و در حقیقت از رهگذر آن نویسندگان به مسائل اخلاقی این قشر توجه نشان دادند، وضعیت معیشتی آنان بود، چرا که مهاجرین در هنگامه آغازین جنگ به دلیل غیر مترقبه بودن جنگ و ترك ناگهانی شهر و دیار خود، با شتابزدگی مال و سرمایه خود را ترك کردند این مساله باعث شد که این قشر با مسائل معیشتی و مالی متعددی دست به گریبان باشند، بعضی از خانواده های مهاجر با مقاومت و صبر و شکیبایی این دوره را طی کردند، بعضی دیگر برای رفع نیازمندی های مالی و مادی با مشکلات اخلاقی روبرو شدند. در رمان «سرود اروندرود»، «سلیمه» نمونه يك مادر رنج کشیده مهاجر است که در غیبت ابدی شوهر با وجود زخم هایی که در جنگ و شرایط اجتماعی بر کرده او فرود آورده است، می ایستد و فرزندان خود را به زیر بال و پر خود می کشد. او که يك فرزندش به جبهه و مخالفین نظام پیوسته و دیگری درگیر مبارزه در جبهه حق است و آن يك (عبدل) در عنفوان جوانی پایش را از دست داده و با دختری که يك شبه بیوه شده و طفلی که بیماری بر جانش چنبره زده

است، يك تنه با شرایط دست و پنجه نرم می‌کند، می‌ایستد و مقاومت می‌کند. وی با احساسی مادرانه نگران فرزندى است که به جبهه مخالفین پیوسته است و با نگرانی، منتظر آن دیگری است که به پاسداری از حریم وطن مشغول است. او با اضطراب‌ها، تشویش‌ها و یاس‌های عدل‌آشناست و بر چهره افسرده و پیر شده رباب بیوه، دست محبت می‌کشد و با واپس زدن دست‌های شوم بیگانه، حریم خانواده‌اش را حفظ می‌کند.

زنان روشنفکر

باید اذعان کرد که نسل نویسندگان دفاع مقدس چندان توجهی به این قشر از زنان جامعه نکرده‌اند، چرا که این قشر را اصولاً در امر دفاع مقدس سهیم نمی‌دانستند، ذکر این نکته نیز ضروری است که مراد ما از زنان روشنفکر، اعم از زنان تحصیل کرده و زنانی است که دارای دیدگاه‌های اجتماعی، سیاسی بوده و دارای مشاغل فرهنگی و هنری هستند، از جانب نویسندگان روشنفکر حرفه‌ای، برعکس نویسندگان جوان بعد از انقلاب، این قشر زنان مورد توجه قرار گرفته‌اند. در آثار این نویسندگان زنان روشنفکری تصویر شده‌اند، که در هنگامه جنگ، عکس‌العمل‌های متفاوتی از خود بروز می‌دهند. این زن‌ها یا دچار سرگردانی فکری و روحی هستند یا غرقه در نوعی ابتدال اخلاقی. در رمان «محاق» اثر «منصور کوشان»، زنان تحصیل کرده و روشنفکری که به اتفاق خانواده‌هایشان از بمباران تهران گریخته‌اند و به روستایی امن در ترکمن صحرا پناه برده‌اند، در هنگامه کشت و کشتار جنگ، نگران تازگی پوست، بوی عطر و پودر صورتشان هستند. اینان با آواز خواندن، کشیدن تریاک و سیگار، سعی در گریختن از واقعیت‌های موجود جامعه می‌کنند و اگر به جنگ توجه می‌کنند، بیش‌تر به خاطر نگرانی از دوست هنرمندشان است نه ملتی که، خون می‌دهد و شهرهایش در بیداد دشمن شعله ور است.

نوع دیگری از زنان روشنفکر اجتماعی در رمان «آداب زیارت» نوشته «تقی مدرسی» وصف شده‌اند که حتی همان احساسات فانتزی زنان «محاق» را هم ندارند، اینان موجوداتی هستند که نه تنها به زن ایرانی شباهت ندارند بلکه حتی دارای خوی انسانی نیز نیستند. خانم «رازی» مادر شهیدی است که شوهرش در اوایل انقلاب اعدام شده و پسرش در جنگ به شهادت رسیده. او بلافاصله بعد از شهادت پسرش، لباس‌های او را به هزار دوز و کلک به همسایه‌ها قالب می‌کند تا شاید پول سفر آمریکایش را مهیا کند. او نمی‌خواهد هیچ یادگاری از فرزند از دست رفته‌اش داشته باشد. در این رمان «فرنگو» زن «هادی بشارتی» نیز همین ویژگی‌ها را دارد. او نیز مثل خانم «رازی» رویای رسیدن به بهشت غرب را دارد، تا خرخره شراب می‌نوشد اما چادر نیز می‌پوشد.

در مجموع می‌توان گفت اکثر زنان روشنفکر ادبیات جنگ، در هنگام جنگ به فرار و گریز از وطن و ارزش‌های انقلاب می‌اندیشند تا ماندن و مقاومت کردن. در «زمستان ۶۲»، «مریم شایان» با توسل به ازدواجی دروغین، خواهان خروج از ایران است و در ضمن زنی است که پایبند اصول اخلاقی نیست. زنان رمان «محاق» نیز دایماً به عقل آینده نگر دوستانی درود می‌فرستند که راهی دیار غرب شده‌اند و از آتش جنگ خلاصی یافته‌اند.

شهادت بانوان

و زیباترین جلوه‌ی حضور زن در میدان‌های دفاع مقدس که منجر به شهادت می‌شد یکی از مظلومانه‌ترین جلوه‌های جنگ، نقشی است که زنان قهرمان در شهرهای جنگی به عهده داشتند. مناظر دردناکی آفریده شد، مادران جوانی که فرزند در آغوش پذیرای بمب و موشک شدند و در ملکوتی‌ترین حالات مادرانه به سوی پروردگار خویش شتافتند. در حالی که مردانشان نیز در دفاع از حریم میهن اسلامی در جبهه‌ها حضور داشتند.

زن و شعر و جنگ

جریان‌های ادبی در طول تاریخ، تحت تأثیر پدیده‌های اجتماعی شکل گرفته‌اند. جنگ ایران و عراق به عنوان یک پدیده‌ی عظیم اجتماعی با حضوری هشت ساله، به خوبی در شعر این مرز و بوم تأثیر گذاشته است. واژگان، اصطلاحات و تعبیرات خاص جنگ و بازتاب مضامینی هم چون شهید، شهادت، جانباز، آزاده و نیز انگیزش‌های عاطفی فرزندان، همسران و خانواده‌ی شهداء در شعر این عصر نوع ادبی خاصی را پدید آورده است که از آن می‌توان به «شعر جنگ» یا «سبک شعر جنگ» تعبیر کرد.

پس از انقلاب اسلامی هویت زن مسلمان در ایران دگرگون شد. نگاه به زن در پرتو تعالیم اسلامی انقلاب بسیار تغییر کرد. در نگاه مردم انقلابی، زن از جاذبه‌های زنانه به تجلیات عرفانی و عاطفی و ارزش والای زن و مقام ارجمند مادر تغییر چهره داد. بدین سبب زنان در جامعه‌ی اسلامی ایران به خود باوری رسیدند و در عرصه‌های مختلف زندگی حضور شایان یافتند و شایستگی‌های خود را نشان دادند و این هویت باز یافته در مظاهر ادبیات نیز تجلی یافت. اینک با توجه به حضور باورمند زن در ادبیات انقلاب، در این فصل، نقش زن در شعر جنگ باز نموده می‌شود:

جایگاه زن در شعر جنگ

«زن در شعر جنگ به هیأت‌های مختلف حضور می‌یابد که عبارت‌اند از: معلم و بیدارگر، مادر شهید، فرزند شهید، همسر شهید، مادر رزمنده، همسر رزمنده، فرزند رزمنده، همسر جانباز، فرزند جانباز» (کافی، ۱۳۸۰: ۳۴۷-۳۴۳).

جایگاه شعر زن در جنگ

یکی از ویژگی‌های شعر انقلاب افزونی تعداد شاعران است. این ویژگی از آن جهت با این مبحث در پیوند است که افزونی شاعران زن، شعر آنان را قابل توجه ساخته است. اگرچه یکی از زنان صاحب نظر، به نگرش کمی اعتراض کرده، می‌گوید: «متأسفانه تلقی بسیاری از ما، درباره‌ی زنان شاعر و شعر زنان یک تلقی کمی است، یعنی ما هنوز در مرحله‌ی اثبات «وجود» زنان شاعر و نمونه‌گیری و آمار دهی از تعداد آن‌ها هستیم و این نشان می‌دهد که وجود زنان اندیشمند در جامعه‌ی ما به دلایل تاریخی و فرهنگی و... تاکنون قدری شگفت آور بوده است. به طوری که همین شگفتی باعث شده است تا به ماهیت و پیام شعر آنان و کیفیت هنری آن کمتر توجه شود. در چنین فضایی دست یافتن به شهرت نسبی برای شاعران زن کار دشواری نخواهد بود، زیرا نمی‌تواند مایه‌ی امیدواری آنان به ارزش قطعی کار هنریشان شود. زیرا ارزش کار آن‌ها را تا کنون به طور نسبی در نظر گرفته‌ایم. گویی محض شاعر بودن هم بخشی از کیفیت کار هنری آنان است.»

(گنجی، ۱۳۷۳: ۴۹۶). اما بی‌گمان همین افزایش، کار را برای ارزیابی جمعی شعر زنان و نشان دادن جایگاه آن در شعر جنگ آسان کرده است.

در ذیل به ذکر نام گروهی از زنان شاعر دفاع مقدس می‌پردازیم زهرا اسکندری، ام البنین باباخوانی، سارا باستانی، فروغ تنگاب جهرمی، مریم حقیقت، فریده دهداران، سهیلا رستاقی، مریم زارع، شهدخت زارع گلستان، پریوش عصفوری، فاطمه فاضلی، فاطمه قایدی، اعظم قلندری، فرحناز کامران قلندری، کوکب حاتمی. «صدیقه وسمقی» نقش اقتصادی زن و تلاش او را برای کسب درآمد و برطرف کردن نیاز خانواده در شهر اهواز این گونه تصویر می‌کند:

زن ماهی فروش که تمام هستی‌اش را در کپر

سوزانده بودند

سر بازار حمیدیه نشسته بود

و اهواز از هجوم موشک دشمن

پراز فریاد بود و خون

(وسمقی، ۱۳۶۸: ۱۵۶).

شاعر با توصیف شهر اهواز که در شرایط موشک باران است، به حضور مقاوم زن اشاره می‌کند.

نقش زنان در ثبت داستان‌های جنگ

بدون وجود زنان، جامعه موجودی ناقص و ناتمام است، زمانی که مردان در هر امری، آن «نیمه‌ی دیگر»، را به کمک بخوانند و با هم مشارکت کنند، آن امر، به بهترین وجه به انجام می‌رسد. این در حالی است که زنان در جوامع مختلف، از زوایای متفاوت نگریسته می‌شوند. در برخی جوامع، از جمله جوامع غربی، به زن به عنوان عنصری در خدمت مرد نگاه می‌کنند. این نگرش ابزاری به زن، باعث سستی کانون گرم خانواده و فروپاشی خانواده‌ها شده است. در برخی جوامع نیز زن به عنوان عنصری عقب مانده پنداشته می‌شود که حق مداخله در هیچ کاری را ندارد و همان بهتر که در کنج خانه‌ها به رتق و فتق امور بپردازد. اما در جامعه ما که تعالیم الهی و آسمانی، نجات بخش زندگی و فرآمین قرآنی، ترسیم کننده جریان زندگی است. موضوع کاملاً فرق می‌کند. در قرآن آمده: «ما شما را از مرد و زنی آفریدیم. آن‌گاه به قبایل مختلف تقسیم کردیم تا با یکدیگر انس و آشنایی یابید. همانا گرامی‌ترین شما، با تقواترین شماست.» (حجرات/۱۳).

نتیجه‌گیری

زنان در ادبیات جنگ نیز به مانند دفاع مقدس حضوری چشم گیر دارند. این حضور گاه پر رنگ، حماسی، پرشور و نقش آفرین است و گاه کم رنگ، حاشیه‌ای و نمایش گونه. در نزد بعضی از نویسندگان جنگ، زنان به مانند مردان سهم عظیمی در شکل‌گیری مقاومت مردمی در مقابله با تجاوز دشمن دارند. در نزد برخی دیگر، زنان به مانند بسیاری چهره‌های مطرح شده در ادبیات داستانی صد سال اخیر ایران زمین، چهره‌هایی سطحی، کلیشه‌ای و فاقد هویت مستقل هستند. به طور

مشخص می‌توان گفت، عملکرد زنان در ادبیات جنگ تا حدودی همان عملکردی است که این طیف در هشت سال دفاع مقدس داشته‌اند. کنش‌های مبارزه و مقاومت، امدادگری، پشتیبانی، حفظ خانواده، دادن روحیه و صبر و شکیبایی از مهم‌ترین کنش‌های این قشر است. البته مصائب و مشکلات عاطفی، روحی و روانی زنان نیز از جمله مسایلی است که در آثار داستانی جنگ به آن توجه شده است. از جمله این مسائل می‌توان به مصائب و رنج‌های زنان مهاجر، مسائل اخلاقی این طیف، پریشان حالی و غم و اندوه مادران شهدا، ایثار و عشق زنان پرستار، عشق و وفاداری همسران شهدا، بی‌پناهی زنان مرزنشین، همیاری و همدلی زنان پشت جبهه و سرگردانی و پوچ اندیشی زنان روشنفکر و تحصیل کرده اشاره کرد.

زنان نویسنده و شاعر به برکت انقلاب و با برپا شدن احکام عادلانه‌ی اسلام حضوری چشم‌گیر در همه‌ی صحنه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نظامی و... یافته‌اند و به راست که همه جا از عهده‌ی مسوولیت خویش برآمده‌اند. زنان در زمینه‌های ادبی و از جمله در ثبت آثار جنگ، درست است که به اندازه‌ی مردان آثاری نیافریده‌اند ولی حجم آثارشان نسبت به دوره‌های قبل افزایش یافته است (چنانچه در ادبیات مشروطه ما به نام هیچ زن نویسنده و شاعری بر نمی‌خوریم). هم چنین کیفیت کار آن‌ها رو به کمال گذاشته و ما، در ادبیات جنگ به خیل عظیمی از زنان نویسنده و شاعر بر می‌خوریم و نکته‌ی دیگری که قابل تأمل است این می‌باشد که نقش زنان در آثار نوشته شده توسط مردان نیز عروج یافته است. زن دیگر عنصری برای سرگرمی مردان نیست بلکه موجودی توانمند است که از حق و ناموس خود دفاع می‌کند آن‌چنان‌که در جنگ تحمیلی از میهن و نوامیسش دفاع کرد و با ندای جهاد و دفاع به عنوان تکیه گاهی برای مردان وارد صحنه شد.

منابع

قرآن کریم

بهبهانی، سیمین (۱۳۶۲). جای پا، تهران: زوار، چ ۳.

تبیان، دفتر ۲۵ (۱۳۸۳). قم: موسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۲). هزاره آهوی کوهی، تهران: سخن، چ ۳.

فراست، قاسمعلی (۱۳۶۷). نخل‌های بی سر، تهران: امیرکبیر،

کاظمی، زیبا (مقاله) جایگاه و نقش زن در ادبیات جنگ. www.irandoc.ac.ir

کاظمی، محمد کاظم (۱۳۷۱). صبح در زنجیر. تهران: انتشارات حوزه هنری.

کاشانی، مشفق/شاهرخی، محمود (۱۳۶۷). مجموعه شعر جنگ. تهران: امیرکبیر.

کاکایی، عبدالجبار (۱۳۸۰). بررسی تطبیق موضوعات پایداری (در شعر ایران و جهان)، تهران: پالیزان.

کتاب نامه پایداری (۱۳۸۴). مجموعه مقالات اولین کنگره ادبیات پایداری، کرمان.

کوشان، منصور (۱۳۶۹). محاق. شیراز: بی نا.

- گنجی، نرگس (۱۳۷۳). خود آگاهی در شعر زنان. تهران: سمت.
- محبی، سیده فاطمه (۱۳۸۲). آیه‌های ایثار و تلاش. تهران: انتشارات شاهد.
- مرتوس، جولی ای (۱۳۸۳). زن، جنگ و بحران، ترجمهٔ نجله خندق، تهران: دانشگاه تهران.
- منظومه‌ی زینبیه (۱۳۷۶). انتشارات مرکز فرهنگی سپاه - امور کتاب.
- ناگهان‌های سرخ (۱۳۷۵). انتشارات بنیاد حفظ آثار دفاع مقدس.
- نظامی (۱۳۶۳). مخزن الاسراء، تصحیح و تحشیه حسن وحید دستگردی، تهران: علمی.
- نظامی (۱۳۶۹). لیلی و مجنون، تصحیح برات زنجانی، تهران: دانشگاه تهران.
- وسمقی صدیقه (۱۳۶۸). نماز باران، تهران: امیرکبیر.

